

سخنی باوزارت آموزش و پرورش، معلم ها، والدین و دانش آموزان به بهانه ر سانه ای شدن ۲ خبر درباره تنبیه دانش آموزان

وقتی سلامتی دانش آموز از همه چیز مهم تر نیست!



زهرآغومی | کارشناس ارشد علوم تربیتی

ماجرای تنبیه بدنی دانش آموز دوم ابتدایی در مشهد با سبیلی به دلیل ضعف در درس ریاضی که منجر به شکستن کونه و بیینی آتش شدو پخش گزارش ۳۰:۲۰ از روش عجیب معلم همدانی در تنبیه شاگردان به اسم شوخی، بار دیگر ماجرای تنبیه دانش آموزان در مدارس را مورد توجه قرار داد. البته هیچ منطقی نمی پذیرد که دانش آموز برای یادگیری باید تنبیه شود. با این حال و اگر می خواهیم به یک واکاوی درست در این حوزه دست یابیم باید به بررسی چرایی تنبیه از منظر سه عامل دخیل در این اتفاق بپردازیم؛ وزارت آموزش و پرورش، آموزگار و والدین. همچنین توصیه هایی به دانش آموزانی که تنبیه می شوند و والدین شان هم خواهیم داشت.

وزارت آموزش و پرورش

عاقبت تغییرات زیاد سیستم آموزشی

در کشور ما وزارت آموزش و پرورش به عنوان سیاست گذار اصلی آموزش و تربیت در طی ۴۰ سال گذشته، فرازها و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است. شاید اصلی ترین نقدی که به این وزارت وارد باشد، این است که هنوز نتوانسته در طی این ۴۰ سال به یک نظام جامع آموزشی دست پیدا کند. آن چه همگان به یاد داریم، همواره شاهد آزمون و خطا و تغییر سیستم های آموزشی از سوی این وزارت بوده ایم که بخشی کاملاً بر اساس کارشناسی و اصول علمی بوده و بخشی هم متأسفانه به هیچ عنوان کارکردی در کشور مانداشته و به بار مشکلات بیشترافزوده است. این مسئله موجب می شود که آموزگاران در انجام آن چه از آن ها انتظار می رود، دچار سرگشتگی بشوند. دوره های آموزشی و ضمن خدمت هم با موضوعات غیر مرتبط و کیفیت نازلی که دارند، به هیچ عنوان گره گشای آموزگاران در ارتقای مهارت های آن ها متناسب با علم روز دنیا نیست. از طرفی دیگر، پای صحبت و درد دل آموزگاران و کارکنان مدارس که بنشینیم، تمام آن هایک گلایه مشترک دارند؛ بی توجهی وزارت به مسائل معیشتی فرهنگیان و به ویژه آموزگاران. انکارناپذیر است که فرسودگی شغلی در آموزگاران بسیار زیاد است و درآمد تخصیص داده شده به این قشر به هیچ عنوان تناسبی با میزان فعالیت آن هاندارد. از سوی دیگر به علت کمبودآموزگار، هنوزهم شاهد کلاس هایی باتراکم بالا در مدارس دولتی هستیم که همین عامل فشارزای دیگری برای معلمان است و این که چروازارت باوجود آگاهی به این معضل، اقدام عاجل برای تأمین نیرو ندارد، جای تعجب است. به اعتقاد برخی از صاحب نظران، قدرت پایین چانه زنی وزارت در تخصیص بودجه از مهم ترین دلایل این معضل است. جایی که آموزش و پرورش در بودجه کشور، سهم واقعی خود را ندارد و نمی تواند برای تأمین نیرو با فراغ بال بیشتری اقدام کند. در مجموع، یکی از مهم ترین دلایل پایین بودن مهارت های آموزگاران و تمرکز نداشتن آن ها در خصوص آموزش بدون تنبیه، نبود اطمینان و آرامش در خصوص مسائل معیشتی از یک سو و پایین بودن کیفیت آموزش های ضمن خدمت از سوی دیگر هست که مسئولیت مستقیم آن به وزارت آموزش و پرورش، به عنوان سیاست گذار این عرصه مربوط می شود.

والدین

بی توجه از موضوع تنبیه شدن فرزندان نگذرید

این که فرزند دانش آموز شما به خاطر مسائل درسی تنبیه بدنی شود بسیار دردناک و غیر قابل قبول است. هیچ منطقی نمی پذیرد که دانش آموز برای یادگیری باید تنبیه شود اما جای یک سؤال وجود دارد. والدین، ادامه دهنده مسیر آموزش و تربیت مدرسه در خانه هستند. شما برای این که این مسیر به خوبی ادامه پیدا کند، چه کرده اید؟ واقعیت این است که بخش قابل توجهی از والدین یا از این مسئولیت مهم خود اطلاعی ندارند یا آن قدر درگیر این مسئله شده اند که توقعات غیر واقعی از فرزندشان، آموزگار و مدرسه پیدا می کنند. متأسفانه برخی از والدین رقابت هایی را که با دوستان یا آشنایان خود دارند، در فرزندشان دنبال می کنند. به هر قیمتی توقع دارند فرزندشان در مسائل درسی بهترین باشد و بدتر این که این اضطراب درونی خودشان را به دانش آموز و اولیای مدرسه هم منتقل می کنند. والدین عزیز هم برای این که بتوانند مسئولیت خود را در قبال مسائل آموزشی و تحصیلی فرزندشان به خوبی انجام دهند، نیاز دارند مهارت هایی بیاموزند و ارتباط خود با مدرسه و آموزگار را به شکلی سازنده دنبال کنند. تحصیل دانش آموز، پروژه ای است که با همکاری آموزگار، والدین و اولیای مدرسه به بار می نشیند. با این حال، والدینی که فرزندان هامورد تنبیه فیزیکی قرار گرفته است باید نکاتی را در نظر داشته باشند. به محض بازگشت فرزندتان به خانه و مشاهده رفتارهایی که نشان دهنده ترس یا پنهان کردن موضوعی از شماست، به هیچ عنوان موضوع را دست کم نگیرید. در صورتی که روی بدن و مخصوصاً قسمت سر دانش آموز شما شواهدی از آسیب ناشی از ضرر به مشاهده کردید، بلافاصله به مراکز درمانی مراجعه کنید. در صورتی که فرزند شما بیان کرد مورد تنبیه آموزگار قرار گرفته است، موضوع را به طور جدی از مدیریت مدرسه پیگیر شوید. مسئول مستقیم عملکرد آموزگاران در مدارس، مدیر است بنابراین بدون این که با معلم مواجهه مستقیم داشته باشید، از مدیر مدرسه توضیح بخواهید. چنین مواردی در صورتی که آسیب های جدی به کودک وارد نشده باشد، در همان فضای مدرسه قابل حل و فصل است اما در صورتی که آسیب بسیار جدی بود یا کادر مدیریتی مدرسه پاسخ گویی واضی نداشتند، حتماً به حراست اداره آموزش و پرورش شهر خود مراجعه کنید و از این طریق پیگیر مسئله باشید.



زندگی سلام
شنبه
۱۷ آذر ۱۳۹۷
شماره ۱۲۰۳

خانواده مشاوره

فرهنگیان

چرا مهارت «کلاس داری» را یاد نمی گیرید؟

متأسفانه بخشی از فرهنگیان به خصوص آموزگاران، آن طور که باید در زمینه ارتقای مهارت های تدریس خود متناسب با اصول علمی تلاش جدی ندارند. با صرف نظر از این که آموزش های ضمن خدمت، کارکرد عملی و مهارتی بالایی ندارند و با قبول نقش پررنگ مشکلات اقتصادی در عملکرد آموزگاران اما باید بپذیریم که بعضی از آموزگاران، خودشان نیز برای مطالعه و کسب اطلاعات مهارتی لازم، اهمیاتی نشان نمی دهند. منظور ما فقط مهارت های تدریس نیست. یکی از اساسی ترین توانمندی هایی که یک آموزگار باید دارا باشد، مهارت کلاس داری است که برای داشتن چنین مهارتی، یک آموزگار باید مطالعات کافی در زمینه های روان شناسی و تربیتی داشته باشد. در برخی از ادارات آموزش و پرورش شاهد هستیم که به برگزاری چنین کلاس هایی اقدام می شود که این جای تقدیر دارد. به اعتقاد من در مهارت های مورد نیاز یک آموزگار، مهارت کلاس داری مقدم بر مهارت تدریس است. دانش آموز باید به آموزگار خود اعتماد کند، بتواند با او ارتباط سازنده ای برقرار کند تا امر تدریس و یادگیری به خوبی اتفاق بیفتد.

دانش آموزان

تنبیه شدن تان را مخفی نکنید

دانش آموزان باید توجه داشته باشند که هر مکانی برای حفظ و بقای خود نیاز دارد که قانون هایی را تعیین کند و تمام افرادی که در آن مکان هستند، باید قانون ها را رعایت کنند. مدرسه مکانی است که اگر قانون نداشته باشد یا قانون هایش اجرا نشود، نمی تواند به شما در آموزش و تحصیل کمک کند، بنابراین وظیفه اصلی شما در مدرسه، رعایت قانون و انضباط فردی و جمعی است. با این حال و در صورتی که به هر دلیلی مورد تنبیه قرار گرفتید، در همان روز با مدیر مدرسه خود در آن باره صحبت کنید و ماجرا را برایش کاملاً توضیح دهید. پس از بازگشت از مدرسه نیز در میان گذاشتن مسئله با والدین خود، آن ها را هم برای پیگیری بیشتر در جریان بگذارید. فراموش نکنید که سلامتی شما بر هر چیزی مقدم است.



۱۹ ساله ام و شش ماه است با پسری آشنا شدم. متاسفانه او گُل(نوعی ماده مخدر) می کشد و در صفحه شما درباره خطرات این ماده، مطالبی را خواندم. یک بار و به مدت دو ماه به عشق من، مواد را ترک کرد اما بعد از مدتی گفت که دلم برای آن روزهایم



دکتر رضا یغمایی | روان شناس

مخاطب گرامی، ببینید ما هم اکنون با دو مشکل روبه رو هستیم؛ مشکل اول مصرف گل توسط پسر مورد علاقه تان است که شما دوستش دارید و مشکل دوم، علاقه مندی شما به این فرد است. همان طور که مطالبی در این صفحه درباره

ساده گل خوانده اید، متوجه شده اید که مصرف این ماده می تواند باعث وابستگی شود و از طرف دیگر حالت های غیر طبیعی در روان فرد ایجاد کند که در این مقال توضیح مجدد نمی گنجد اما مهم است بدانید که شما قرار است چه نقشی در زندگی این فرد داشته باشید. آیا می خواهید به او در ترک وابستگی اش به گل کمک کنید یا می خواهید با او ازدواج کنید و نقش همسر را داشته باشید؟ هر یک از این اقدامات نقش مربوط به خود را می طلبد. شما ممکن است بتوانید او را تشویق به ترک مصرف یک ماده کنید اما نمی توانید در مانگرو ناجی او باشید چرا که این کار نیاز به تخصص و پیگیری حرفه ای دارد.

او را به یک روان شناس معرفی کنید

پسر مورد علاقه تان در بخشی از صحبت هایش به شما گفته «اگر نمی خواهی برو» یعنی در واقع گفته که می خواهد همان طور که هست او را بپذیرد یعنی همان مصرف کننده. پس بهتر است فقط او را تشویق کنید که با یک روان شناس صحبت کند و به موضوع دیگری بپردازد از جمله دلیل علاقه مندی خودتان به او و نگرانی هایتان برای از دست دادنش که موضوعات مهمی است. همچنین ترس هایی که این روزها با آن دست به گریبانید مانند ترس از دست دادن. در این زمینه چند نکته مهم وجود دارد که بهتر است مورد توجه قرار گیرد.

حواس تان را خیلی جمع کنید

اگر تصمیم به ازدواج با این فرد دارید، مراقب باشید که راه اشتباه نروید. برای ازدواج مراحل تقریباً مشخصی وجود دارد از جمله: خواستگاری، آشنایی، گفت و گو، عقد و ازدواج. اگر رابطه خارج از این چارچوب است، ممکن است به شما آسیب برساند چون رابطه یک رابطه دوستی خواهد شد و نتیجه آن تغییر انتظارات و آسیب های بعد از آن. به خصوص برای شما که دختر هستید، حواستان بیشتر جمع باشد که در چنین رابطه ای ممکن است بیشتر مورد سوء استفاده قرار بگیرید، نه به خاطر دختر بودن تان بلکه به دلیل نوع رابطه و محیطی که در آن زندگی می کنید و باور هایی که درباره چنین روابطی وجود دارد. پس اگر مراقب خودتان نباشید ممکن است برای دیگران چندان اهمیتی نداشته باشد.

پسر مورد علاقه ام گُل می کشد اما نمی خواهم از دستش بدهم!

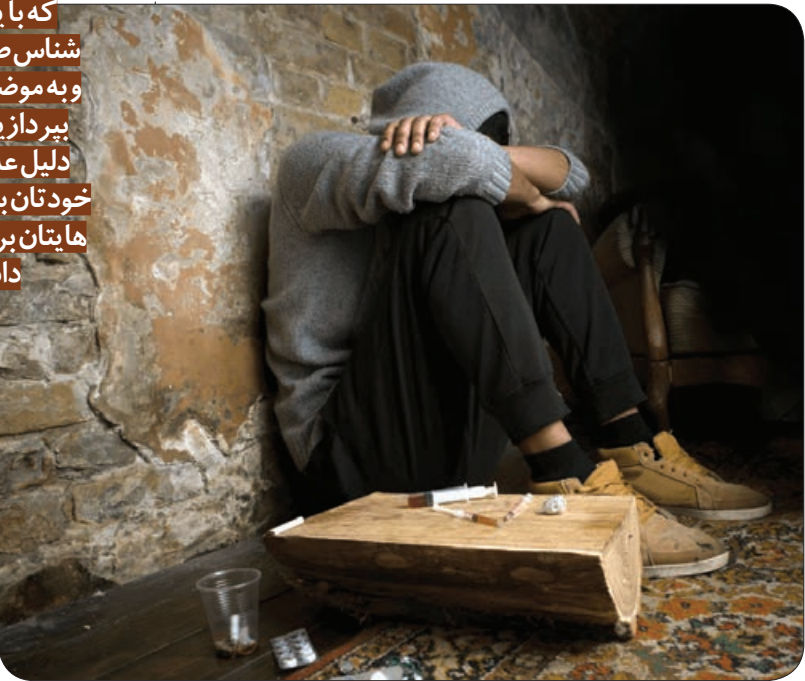
تنگ شده و نمی توانم مصرف نکنم. الان دوباره مصرف می کند و در برابر اصرار من برای ترک هم می گوید: «نمی خواهی برو». دوستش دارم و نمی توانم از دستش بدهم و از طرفی هم نمی توانم شاهد گل کشیدنش باشم. چه کنم؟

دلایل علاقه مندی تان را بررسی کنید

به دلایل علاقه مندی خودتان نگاهی بیندازید و ببینید چه ویژگی هایی در این فرد وجود داشته که باعث علاقه مندی شما شده است. این می تواند نشان دهنده یک نیاز مهم در شما باشد که لازم باشد با این نیاز رفتار بهتری داشته باشید. مثلاً نیاز به صمیمیت یا نیاز به داشتن یک همدم به نظر تان آیا راهی که برای پاسخ به این نیاز در نظر گرفته اید، راه درستی است؟

شما عاشق این مرد نشده اید

باید متوجه باشید که شما عاشق این مرد نشده اید بلکه شما پاسخ برخی نیازهای تان را در این مرد یافته اید اما این کافی نیست و باید مالک های دیگر هم بررسی شود، مانند فرهنگی که در آن بزرگ شده اید، موافقت خانواده، تحصیلات، نگرش ها، باور های مذهبی، انتظارات، آمادگی تان برای ازدواج و بسیاری از موضوعات مهم دیگر. شاید به طور خلاصه همان چیزی که در جلسه مشاوره قبل ازدواج به آن پرداخته می شود. بررسی این موارد می تواند با همراهی خانواده ها و اطلاع آنان از طریق مشاور خانواده انجام شود.



شنبه حل

کسب و کار

تمرکز فروشنده ها برای پیشرفت

بر مشتری باشد یا رقبا؟



حسین صادقی فر

مشاور مدیریت

غروب دیروز برنامه ریزی کردم که برای دیدن یکی از دوستانم به خانه شان بروم. قرار شد شام را هم من بگیرم. برای همین به رستوران رفتم و سفارش غذا دادم. در حالی که رستوران خلوت بود و خیلی هم مشتری تلفنی نداشتند، آماده شدن این سفارش خیلی طول کشید و پس از نیم ساعت هنوز از تحویل غذا خبری نبود. جالب این جا بود که متوجه شدم سفارش من را فراموش کردند! به هر حال وقتی که سفارش آماده شد، پیش خانمی که مسئول سفارش و پیگیری بود رفتم و گفتم: «بخشید من دفعه بعد هم، همین قدر معطل خواهم شد»! خیلی حق به جانب گفتم: «بله، همین قدر معطل خواهید شد». فکر می کنم اشتباه می کرد چون دفعه بعدی وجود نخواهد داشت. آیا این خانم متصدی پذیرش، رئیس او یا حتی صاحب این کسب و کار و بسیاری از کسب و کارهای دیگر می دانند که تعالی بخشیدن به تجربه مشتری یعنی چه؟

یکی از اصلی ترین راهبردهای بازاریابی و مدیریت

این پرسش در بطن بسیاری از راهبردهای بازاریابی و مدیریت نهفته است و برای پاسخ به آن باید از نقطه نظر مشتری به مسئله نگاه کرد؛ یک تجربه عالی مشتری در واقع آن تجربه ای است که بدون تنش باشد. هیچ مشتری دوست ندارد مجبور باشد کاری اضافی انجام دهد یا مشکلات را برطرف کند، یا چیزی را که قبلاً بیان شده است، تکرار کند. بهترین تجربه ای که یک مشتری می تواند داشته باشد تجربه ای است که در آن بدون دردسر نیازی که دارد رفع و رجوع شود، بدون این که لازم باشد کار اضافه ای انجام دهد یا مواعی وجود داشته باشد. این موانع به منزله تنش قلمداد می شوند و هیچ مشتری برای از میان برداشتن موانع فرصت ندارد. از سوی دیگر بسیاری از اندیشمندان مدیریت معتقدند تنها راه پیشرفت در بازار در حال تغییر امروزی، تمرکز بر مشتری است نه این که به رقبا یا دیگر مسائل کسب و کار اولویت داده شود. هیچ کسب و کاری نباید وقتش را با تلاش برای جلوزدن از رقبا هدر دهد و به جای این کار، باید از بازار پیشی بگیرد. راه هایی برای به هیجان آوردن مشتریان پیدا کند تا دایم بیشتر بخواهند و سبب سودآوری سازمان شوند. چیزی که درباره مشتریان خیلی جالب است، این است که همیشه به طرز عجیبی ناراضی هستند. نه تنها انتظارات شان هرگز ثابت نمی ماند بلکه به طور مرتب بالا می رود. طبیعت انسان چنین است. در این دنیا نمی شود یک گوشه نشست و استراحت کرد؛ مشتریان اجازه این کار را به ما نمی دهند.

مشتری را به مغازه تان برگردانید

مدیران خبره کسب و کار که دارای هوش اقتصادی قوی باشند باید بازار خود را از نزدیک بشناسند و بدانند که مشتریان شان به دنبال چه هستند. اگر به آنان همان چیزی را که می خواهند بدهید، باز هم به سراغ تان می آیند. این تنها راه نجات و پیشرفت در بازاری هست که همواره در حال تغییر است. مهم ترین اصل در تمام اقدامات سازمان شما باید همین اصل باشد.